

مطبعه و اداره خانه اختر
در راسته بابعلی است نمرة ۲۵
در کارهای متعلق بداره به آقا محمد طاهر
رجوع میشود.
اسامی وکلای کرام در ممالک دور و نزدیک
گاهی در صفحه آخرین نکاشته خواهد شد.
روز پنجشنبه ۲۳ ذی القعدة سنه ۱۲۹۷
۱۶ تشرین اول رومی ۲۸ ماه سپتامبر ۱۸۸۰



تعارف بدلات سالیانه
دارالسعادة اسلامبول ۰۳ مجیدی سیم
دیگر نالک محروسه عثمانیه ۷۵ فروش صاغ
ممالک محروسه ایران ۲۵ قران
ممالک هندوستان و بنادر ۱۵ روپی نقره
ممالک روس و قفقاز ۱۵ روبل کاغذی
ممالک اروپ و عربستان ۲۵ فرانک
یک نسخه ۶۰ پاره است
اجرت پوست همه جابجاءه اداره است.

این نامه از هر کونه وقایع و اخبار و از سیاسیات و پولیتیک و علم و ادب و دیگر منافع عامه سخن می گوید.
نوشتهای سودمند را باستان می پذیرد.
در نوشتن کاغذهایی که از خارج میرسد اداره آزاد است.
کاغذی را که نوشته نمی شود
صاحبش نباید استرداد بکند.
کاغذهایی که پول پوست ندارد قبول نخواهد شد.

تکرارها

از پاریس ۲۰ ذی قعدة مسیومالت
قونسل فرانسه مقیم سلاویک بقونسلمکری (فادیکس)
معین گردیده (مسیو روسه) نیز از جانب دولت
مشار الیها بقونسلمکری سلاویک مامور شده
است.

از اتن ایضا هیئت وزرای تازه
بقرار ذیل تشکیل یافته است.

مسیو کوموندروس ریاست وکلا بانضمام
وکالت وزارت های خارجی و عدلیه.

مسیو تیر و پولو وزارت مالیه.
مسیو پایا میخالو وزارت داخلیه بانضمام
وکالت وزارت علوم.

مسیو والتینوس وزارت جنگ.
مسیو بو پولیس وزارت بحریه معین
گردیده اند.

فردا را مقرر است که رسم تحلیف (یعنی
سوگند دادن بوزای تازه که در خدمات و ماموریت
خودشان بصدافت و استقامت رفتار نمایند)
هیئت تازه وزرا بعمل آورده شود.

از وین ۲۰ ذی قعدة کتاب سرخ
اوستریا که دارای نوشته های رسمی است منتشر
شده است.
از نوشته های مذکور معلوم میشود
است که (بارون هیرلی) وزیر خارجیه اوستریا

برضد دولت عثمانی بوده است.
اخبار نامه (نایه فرایه پرسه) این حرکت
وزیر مشارالیه را صواب ندانسته در یک مقاله
مخصوص مورد مؤاخذه نموده است.

از پترسبورگ ایضا اخبار نامه
(اژانس روس) که بطور نیم رسمی در پترسبورگ
طبع و نشر میشود بمناسبت ورود خبرهای
آخری یونانستان که مشعر بجنبشجویی است سخن
بمیان آورده ضمناً بدولت یونان سپارش میکند
بهر آن است که از مسلک نگاهداری صلح و مسالمت
دوری نجوید.

از پاریس ۲۱ ذی قعدة اخبار نامه
رسمی پاریس بیاننامه نشر نموده اظهار داشته
است که مجالس اعیان و مبعوثان فرانسه در نیم
ماه آینده فرنگی باز خواهند شد.

از دو بلین (دار الحکومت ایرلاند)
۲۱ ذی قعدة دیروز در (کالوای) (متینک)
یعنی جمعیتی منعقد شده است.
(مسیو پارنل) و سایرین از رؤسای جمعیت در باره وضع
اسف آمیز جزیره (ایرلاند) خطابه های بسیار
سخت خوانده اند.
جمعیت مذکور زیاده بر چهل
هزار نفر بوده است.

از موقع (ویتبور) نام برای رفتن بجزیره
ایرلاندیک تیپ عساکر انگلیس آماده حرکت
بوده است.

از لندن ایضا اخبار نامه (مورنینگ
پوست) بموجب تلگرافنامه پترسبورگ میگوید.

صحت اعلا حضرت امپراتور روس تغییر یافته
عارضه زله خیلی مضطربش داشته است.

اخبار نامه استاندارد (نیر بموجب تلگرافنامه
پترسبورگ بطور موقت میگوید دولت روس پولیتیک
دولتین المان و اوستریا را پیروی خواهد نمود.

از پشته ایضا اعلا حضرت امپراتور
اوستریا در جواب تیر یک نامه هیئت فرستادگان
اوستریا و مجارستان اظهار داشته است که
در باره رفع اشکالاتی که در اجرای احکام
عهدنامه برلین ظهور نموده است و خصوصاً
در باب نگاهداری منافع اوستریا ب مجارستان
از صرف نمودن نفوذ خود بوجهی خود
داری نخواهم نمود.

از قله ایضا امروز مجلس ولایت
باز شد.
والی ولایت بمناسبت باز شدن مجلس
خطابه خوانده اعضای مجلس را سپارش نموده
است که بدقت تمام قوانین و نظامات امور مالیه
ولایت را رسیدگی نموده و این مسئله را بزودترین
وجهی انجام بدهند.

داخلیه

اخبار نامه فار دو بوسفور در باب خالی و تسلیم
نمودن قصبه اولکون از وقوع پاره اسکالات
سخن بمیان آورده میگوید روز شنبه گذشته
بموجب بیانات و خواهش ترجیهای اول سفرای

اروپا از جانب باب عالی بختاب ولی رضا پاشا بواسطه تلگراف دستور العمل مؤکد داده شده است که در باره رفع اشکالات سعی و اقدام نماید . علاوه بر آن بموجب اطلاعات مخصوص خود میگوید . بعد از خالی شدن اولکرن تاورود قشون قره طاغ چند فوج از عساکر شاهانه در آنجا اقامت خواهد نمود .

و اپور همایون (مقدمه نصرت) شب سه شنبه گذشته از در سعادت حرکت نموده ببنای قلعه عزیمت کرده است .

اخبارنامه (فار دو بوسفور) میگوید . از جانب حکومت سنییه دستور العمل داده شده است که عساکر احتیاطی ایالت های (یانیه) و (ترعاله) مسلح و آماده باشند .

(مسیو و بنو) ترجان اول سفارت اوستریا که از چندی باینطرف مآذونا در مملکت خود بود اینروزها بر کشته بدر سعادت وارد شده است .

از قرار یک مسموع شد از جانب وزارت جلیله جنگ دستور العمل داده شده است که افواج مقدم و نال (قلعه سلیمانیه) بزیر سلاح آورده شده آماده داشته شود . و نیز در این نزدیکی مقرر است از جانب دائره لوازم بعضی مهمات از قبیل اسلحه و البسه و غیره که برای آنها مقتضی است بآنجا فرستاده شود .

(ترجان حقیقت)

اخبارنامه (ترجان حقیقت) در نسخه روز شنبه گذشته در باب شورش اکراد در ایران مقاله مخصوصی بعنوان ذیل نوشته بود . چون مقاله مذکور محض بملاحظه منافع اتحاد اسلام نوشته شده دارای مضامین بلند حقگوئی و نکات دلپسند حقیقت جوئی بود مناسب دیدیم ترجمه آنرا عینا در ذیل نقل نماییم . و در این ضمن واجب دانستیم که منشی مقاله مذکور را بدین اصابت رای که فی الحقیقه بزرگترین مایه نجات و سلامت امت اسلامی است بنام عموم دانشمندان اسلام خصوصاً خردمندان و نکته شناسان ملت معظمه ایران تبریک و تهنیت گفته اداء الحق تشکر و سپاسداری نموده ضمناً عموم مطبوعات

اسلام را برای پیروی این نیات پاک و مقصود تابناک دعوت نماییم .

ترجمه مقاله

شورش اکراد در ایران

در باب شورش شیخ عبیده و حجه آقا در سمت کردستان ایران در نسخه های پیش وعده نموده بودیم که در ثانی بیانات و ملاحظات خود ما را در این باب خواهیم نوشت . اینک معتقدات خود ما را در این باب می نگاریم .

نخست هرگاه بگویم که در این باب اساس ملاحظات باید مبتنی بر نقطه نظر اتحاد اسلام باشد چنان اعتقاد داریم که تقصیری در ملاحظات خود نموده ایم . در صورتیکه در این شخصیه نقطه اتحاد اسلام مطمح نظر بشود ملاحظات این مسئله بقدری وضوح حاصل میکند که خود کسانی که به پیروی پاره خیالات و افکار خصوصی در این شورش نفع و عدم نفع عثمانیان را تصور میکنند خودشان لازم می بینند که همین ملاحظات را یک اهمیت مخصوصی تلقی نمایند .

از کلمه اتحاد اسلام که ذکر شد دوشق حاصل میشود که . یکی مذهبی و دیگری سیاسی است . پس ما را است که نخست وضع شق مذهبی را پیشهاد نماییم . توانیم گفت در حاکمیت همه ملت اسلامی که بوحدانیت خدا اقرار نموده یک پیغمبر ایمان آورده و پیروی یک کتاب مستطاب را میکنند آیار و است که تنها بجهت پاره مباینت و اختلاف مجتهدین که در امر اجتهاد بیمان آورده اند بایکدیگر در مقام نفاق و شقاق برآیند . آیا از این نفاق منفعتی در وضع دینی آنان حاصل میشود ؟

چون در باب شورش کردستان ایران نوعی رنگ مذهبی محسوس است لازم دیدیم که جواب این سؤال بصبر و تأنی داده شود . زیرا بمناسبت اینکه شیخ عبیده و حجه آقا رؤسای اهل شورش سنی المذهب هستند و علاوه بر آن اهالی کردستان ایران نیز سنی هستند و در میان سنیها و ایرانیها یک شیعی مذهب هستند از زمانهای قدیم افکار مخالفت و مخالفت برقرار بوده است مضمون است از این شورش که هنوز مقدمه آنرا می بینیم نتایج بزرگ نا کواری حاصل کرد . و در امثال اینگونه مباینت و منافرت مذهبی تصور منفعت و عدم منفعت از آنرا بدون شبهه باید از حکمت تاریخی سؤال نماییم .

و متبکیه بحکمت تاریخی بازگشت نمودیم هم تاریخ دیانت نصرانی و هم تاریخ دیانت اسلامی خلی مواد معترضه بسیار مهم در این باب بمانشان خواهد داد که از این منافرت امید منفعت نمودن سهل است که بالعکس راجع شدن خسارات بزرگ را معاینه خواهیم دید .

حکمت تاریخی مثالهایی را که از دیانت نصرانی نشان میدهد عبارت از ظهور دین پروتستانی و مباینت و خصومتی است که بهین وجه در میان پیروان مذهب قدیم کاتولیکی و پروتستانیهای تازه بوقوع آمده است . که از جمله است قصیه قتل عام (سنت بارتلی) و سایر جنکهای بسیار هولناک و خور و زانه که سالهای سال در میان آنان برقرار بوده است همه این جنکها را دراره مذهب کرده اند که پس از همه این خور و زها همه را اعتقاد این بود که کاتولیکها و پروتستانها با هم دیگر بدرجه دشمن شده اند که به هیچ وجه صلح پذیر نخواهند شد آیا کسی را در این باب شبهه بخاطر وارد می آید ؟ حال آنکه بعضی کسان اکنون سبب پاره مباینت پولیتیکی و مخالفت دیپلوما تیکی را که در میان دولتهای اروپا دیده می شود بقیه همان جنکهای مذهبی میدانند . و برای بطلان صاحبان این اعتقاد دلیل محکمی هم در دست نیست . حکمت تاریخی دیانت نصرانی از این قرات دستگیر شد . آمدیم بحکمت تاریخی دیانت اسلامی . دلایلی که دیانت اسلامه در این مواد نشان میدهد خارج از حد حصر و حساب است . اگر تاریخ اسلام برای ابضاح مطلب ملاحظه بشود معلوم خواهد شد که سبب ضعف و انقراض دولت (اموی) و تشکیل و قوت خلافت عباسیه همین اختلاف مذهب بود که آنوقت تازه ظهور نموده بود . حتی پس از خلیفه دوم تا زمانی که اختلافات در میان اصحاب کرام ظاهر شد بالطبع در پیش نظرها است . بعد از آن همه اختلافاتی که در میان اسلامیان بوقوع پیوست و هیئت متعده اسلام را از هم دیگر متفرق ساخته بطوائف الملوک قسمت نمود و سایر اینگونه انقلابات بزرگ همگی از اختلاف مذاهب ناشی شده است .

علاوه بر آنها محاصمات طولانی که در میان دولتین عثمانی و ایران بوقوع رسید و خسارات و ضعیفی که از این محاصمات بر عنصر عمومی اسلام وارد آمد آیهای ناسف نیست ؟ همین منازعات

سنی کری و شیعی کری است که طرفین را گرفتار ضعف و خسارت نموده باعث آن شده که دست تغلب و تسلط بیکانه بکریان هر دو طرف رسیده. در صورتیکه از قدیم این اختلاف مذهب و قوعات بسیار دردناک را نتیجه داده است آیا از تجدید نمودن این اختلاف امید آن داریم که نتیجه خوبی حاصل خواهد شد؟

در باب شق سیاسی اتحاد اسلام هم میگویم هرگاه مسائل انجمن کونفرانس اسلامبول و مجالس کونکره های برلین و سایر وضع سیاسی عمومی مارا از (ملت واحد ۱۰۰۰۰) بودن عالم نصرانیت آگاه نکرده است باید ترسید که دیگر هیچ بلا و صائب مارا از خواب غفلت بیدار نتواند نمود. و این یکی واضح است تا اعدای بیکانه تبعه عیسوی مارا برمانشورانیده و بچنگهای داخلی مارا گرفتار نموده اند نتوانسته اند بر ما غلبه نمایند. همین قهر را وقوعات شورش قدیم مجارستان و مسئله اصلاح یونانستان که نیم عصر پیش از این بود و شورش (اسلاوها) که در این جزو زمان واقع شد بدلائل بسیار محکم اثبات کرده است. درجه نتایج ناگواری را که از این اختلاف مذهب ناشی شده است هرگاه نظری بسوی آسیای میانی و قفقاز و (قریم) و قزان بیندازیم خواهیم فهمید. و صاحب این نظر هرگاه از دیدن بجای سرشک خون باشد روا است و صاحب آن چشم را توانیم گفت که دارای حجت و غیرت اسلامی است. با همه این حال آیا دشمن دین را روزی فیروز تر از آن تصور توان نمود که به پند درشته مناسبات دوستانه ما با دولت علیه ایران کشیده شده است «کلمه دشمن دین را که در میان تعیرات خود آوردیم جل بر تعصب مذهبی ما نباید کرد. زیرا در مقابل آن از اروپا نکات (اروپا کره یه دن) یعنی (اروپا نصرانی) راهنوز می شنویم. علاوه بر آن اطلاع داریم که یکی از رئیس وزرای اروپا بارها گفته است که (مسلمانان بقدر کرازی اعتبار دارند) خدای نکرده آنانکه خرابی و اضمحلال دولت علیه عثمانی را آرزو مند هستند آیا دولت علیه ایران را از بقا و دوام خاطر جمعی خواهند داد؟ هیاهات!

هیچ شبهه نیست مقاصدی را که در باره ایالت های فارص و باطوم و اردهان ماداشند

در باره قسمتی از ممالک ایران نیز دارند. گذشته از آن ممالکی را که تاکنون بیکانکان از دولت ایران غصب نموده اند نباید کمتر از ممالک مفصوبه ما بوده باشد. جای سخن نیست که خدا نکرده هرگاه کلا دستون (رئیس وکلای انگلستان) سمت اناطولی را بوضع هندوستان بیاورد این وضع را برای قسمتی از ممالک ایران نیز آماده خواهد نمود. زیرا پانزده میلیون نفوس ایران بیشتر و قویتر از شصت میلیون مسلمان و دویست میلیون مجوس هندوستان نتواند شد. باید خیال نمود که قطعات (قزان) و (قریم) و داغستان و کرجستان و آسیای میانی و هندوستان و افغانستان و غیرهم بکدام وسیله بتصرف دشمن آمد. و باید بعبرت و دقت نظر کرد که زیاده بر سیصد میلیون نفوس را که در این قطعات هستند دولت انگلیس و روسی که همه نفوس خالصشان تنها عبارت از شصت میلیون است چگونه محکوم خودشان نموده اند. آباروا است که این همه نفوس در زیر تبعیتشان بماند؟ چه چیز آنانرا محکوم بیکانکان نمود؟ بلا شبهه نفاق و عدم اتفاق؟ هرگاه ما امروز با دولت علیه ایران اتفاق نماییم یک دولت بزرگ اسلامی میشویم که دوجز آن زیاده بر چهل میلیون نفوس میشود که در نگاهداری حقوق و سلامتی یکدیگر آتوقتی دارای قوت کافی میشویم.

هرگاه مقصودمان ترقی نمودن و دارای حفظ حقوق خویش بودن نیست و آرزوی آن داریم که بیکال عجز و مسکنت زیست نموده ابواب ممالک خود ما را بر روی دشمنان باز داریم لازم است باز بخا صحت سنی و شیعی بودن را تجدید و زوایج نماییم که در این حال در ظرف مدت دو سال عموم ملل و حکومتات اسلامی را تابع و زبردست حکومت های غیر مسلم نمودن نقلی نیست و هیچ اشکالی هم ندارد.

اگر این بیانات مادر نزد صاحبان غیرت اسلامیة نزدیک بصواب دیده شد باید عموماً آرزو مند این باشیم که این مسئله شورش اکراد بزودترین وجهی تسکین بشود. و از طرفین باید رؤسای اکراد را فهمانید که خانه خرابی بکشتن و غارت نمودن یکدیگر منفعتی بر عالم اسلامیت ما وارد نمیشود بل ما را لازم است که در مقابل هر گونه وقوعات از یکدیگر یاری نماییم.

آیا مسئله ارناؤدهای سمت روم ایلی در خصوص اتفاق بری ماسر مشق خوبی نمینماید بشود؟ حال آنکه در میان آنها در خصوص مذهب دو فرقه بزرگ هستند که قسمی سنی و قسمی بکتاشی (نوعی شیعی) است و تاکنون بهیچ وجه اختلاف مذهب را مایه نفاق خود ننموده اند سهل است با ارناؤدهای عیسوی نیز تنها بمناسبت نام قومیت نهایت اتحاد را داشته برادر و اردست بدست همدیگر داده در نگاهداری حقوق مشروع خودشان پای ثبات فشرده اند که بدین وسیله طرف تحسین دوست و بیکانه گردیده اند.

ای اهل اسلام! وی ارباب ایمان! زمانهای نفاق و شقاق گذشت هتکام اتفاق و وفای است احتیاجات اتحاد را بنظر اهمیت باید دید و از آرو عمل باید کرد که در آخر پشیمان نشویم که پشیمانی آخر سودی ندارد.

روزنامه (وقت) ملاحظاتی اخترا که در دو نسخه پیش نوشته و روزنامه های یک اوغلی هم در مقام تصدیق مآل ملاحظاتی برآمده شرح و بسطی داده اند در اجمال دیروزی خود بطور تعرض نکاشته است. ولی در حالتیکه رفقای ترک خود را مثل جریده حوادث و مانند آنرا که بسیار دوری از معنی و حقیقت و انصاف جستند بوجهی مورد طعن و اندرز نکرد در حال لازم است در نسخه آینده ما هم در ایتمام سخن را بسطی بدهیم و معلوم کنیم که شرف چیست و محل انتساب شرف کیست.

اینروزها در دائره وزارت جلیله جنک برای تسریع کارهای ارباب رجوع کمیسیون تشکیل شده است. از جانب وزارت مشارالیه بکومیسون مذکور دستور العمل مؤکد داده شده است که پس از این امورات ارباب رجوع را بدون تاخیر و تعویق رسیدگی نمایند.

اخبار نامها مینویسند احتمال کلی هست که از جانب دولت انگلیس (مسیو ناپیر فرانسر) بجای مسیو کوشن سفیر دولت مشارالیه به سفارت اسلامبول معین گردد.

اخبارنامه (استانبول) میگوید روز شنبه گذشته جناب (مسیو نو یکوف) سنیر روس باجناب فخامت مآب رئیس وکلا و جناب دولتمآب وزیر خارجه چند بار پی در پی ملاقت نموده است. مظنون است که سفیر مشارالیه را در باب مسئله یونان از جانب دولت متبوعه خود دستور العمل وارد شده است که با بابعالی در این باب دوباره مذاکرات پردازد.

اخبارنامه (مسجر) در باب وضع مهاجرین اطلاعات ذیل را نوشته است.

کومیسسیون مهاجرین که در زیر ریاست سعادت مآب رضایک افندی است دفتر اسامی و اعانه که با نهاد داده میشود در نهایت دقت نوشته شده است.

دفتر کومیسسیون مذکور بر سه قسم است. قسم اولی دارای اسامی و اعانه مهاجرهایی است که در اسلامبول و ملحقات آن اقامت دارند.

بموجب دفتر مذکور اکنون در اسلامبول و اطراف آن چهل هزار نفر مهاجر هست که از آنجمله پانزده هزار نفر را از جانب حکومت سیه هر روز یک فروش اعانه داده میشود. سایرین بکار و کسب اسباب معیشت خودشان را چایجا میگردانند.

قسم دوم دفتر مهاجرین اناطولی است که باطراف ممالک محروسه فرستاده شده اند که در آنجا اقامت توفیق نمایند. مقدار آنان که بممالک محروسه فرستاده شده است بقرار ذیل است.

مقدار مهاجرین	ولایات
۰۰۲۸۷	دیار بکر
۱۱۱۲۹	قسطنطنیه
۱۴۹۰۰	بروسه
۰۵۰۰۰	سوریه
۰۷۰۵۴	طر بزون
۲۲۳۲۳	سلانیک
۰۰۴۶۴	بیضا
۶۰۹۲۳	قصوه
۳۰۰۰۰	ادرنه
۱۵۲۰۸۰	جمع

بفقرای همین مهاجرین از ماه مارس گذشته تاکنون معادل یکصد و بیست و پنج هزار لیرای عثمانی وجه نقد اعانه داده شده است.

قسم سوم از همین مهاجرین را بولانیهای که در ذیل نوشته میشود فرستاده شده اند.

مقدار مهاجرین	ولایات
۴۹۱۱	انقره
۴۳۹۶	حلب
۰۶۱۵	قونیه
۰۸۷۲	سیواس
۰۹۴۱	اطنه
۲۵۰۵۷	جمع

جمع جلالتان این سه قسم مهاجرین که قلداد شد دو بیست و هشت هزار و سی و هفت نفر هستند که همه آنها از اجزای باقی مانده مسلمانان بلغارستان و روم ایلی شرقی هستند.

علاوه بر اینها بقدر سیرده هزار مهاجر از باطوم نیز وارد گردیده است که آنها را هم در مواقع ذیل مسکن داده اند.

مقدار مهاجرین	ولایات
۴۳۵۵	ازمید
۰۲۷۵	سیواس
۲۰۰۰	طر بزون
۰۰۴۵	سینوب
۴۹۴۳	کلیک
۱۲۶۳۹	جمع

از جمله چهار هزار و یکصد و چهل و سه نفر مهاجرین که بکمیلیک فرستاده شده بودند از فقدان اسباب تعیش دوباره باسلامبول برگشته اند اکنون را عجلاله آنان را در اسکله سرکه جی مسکن داده اند که بتدریج باطراف و جوانب فرستاده بهر کدام موطن نشان داده شود. بنا بر این همه مهاجرین که در دفتر کومیسسیون اسامی آنان ثبت است معادل دو بیست و بیست و یک هزار و ششصد و هفتاد و شش نفر است. و در خارج این حساب از ممالک استیلا شده دولت عثمانی نیز خیلی مهاجر باسلامبول وارد گردیده است. علاوه بر اینها بقدر چهار صد و سی و یک نفر عیسوی که مذهب

کاتولیکی دارند از سوه اداره و بدرقناری حکومت زوس بسته آمده از باطوم بممالک عثمانی هجرت کرده اند.

از ایالت های بوسنه و هرسلک نیز پاره مهاجرین اسلام پی در پی میرسند. بنسبت ورود موسم زمستان و برف باران معلوم نیست که حال این بیچاره کان بکجا خواهد انجامید. غیرتمندان وطن را مقتضی است که آنچه لازمه انسانیت است در باره معاونت آنان بعمل بیاورند.

خارجیه

در اخبار نامه های هندوستان دیده شد. بیشتر دولت انگلیس کاغذی نوشته از خان کلات خواست نمود. بود که در جنگ افغانستان لشکر خود را بیاری قشون انگلیس بفرستد. خان مشارالیه در جواب این مطلب معذرت طلبیده اظهار داشته است که من از فرستادن لشکر یان خود بیاری قشون انگلیس دریغ ندارم. ولی بیم آن دارم که لشکر یان من در جنگ قشون انگلیس را بیاری نموده با فغانان ملحق شده آنان را معاونت نمایند. بنا بر این مسئولیت این کار مهم را من بر عهده خود نمیتوانم گرفت.

و نیز اخبار نامه های مذکور مینویسند. هنگامیکه ایوب خان در قندهار بر لشکر یان انگلیس غالب آمد قاصدی نزد خان کلات فرستاده اظهار داشته بود اکنون که من انگلیسها را شکست دادم ترا که از سالهای دراز تابع امارت افغانستان بوده لازم است که انگلیسها را از بلوچستان بیرون نمایی. حاکم موغی الیه در جواب نوشته بوده است اکنون که لشکر انگلیس بکلی مستأصل نشده است مرا یاری آن نیست که اقدام باین کار بکنم ولی وقتی که شما آنان را بکلی مغلوب نموده بلوچستان عزیمت نمودید از معاونت کردن بمقاصد شما کوتاهی نخواهم کرد.

قاصد بیچاره که این جواب نامه را بایوب خان می برده است در آثای راه گرفتار لشکر انگلیس گردیده پس از گرفتن نامه قاصد را نیز بدهن توپ بسته هلاکش نموده اند.

اخبارنامه (شمس الاخبار) منطبق مدراس
میکوید . درموقع (اوده) که دراطراف
کوه نیلکری واقع است روز عرفه عید مبارک فطر
از جانب حکومت انگلیس همه محلات و مساکن
اهالی اسلام آنجا بزرگ قراول عسکری آورده
شده است . مسلمانان از این حرکت حکومت
بجرت اندر شده بخوف و اضطراب گرفتار گردیده
وندانسته اند که سبب این محاصره و قراول
گذاشتن حکومت چیست . خلاصه این وضع
تا شام روز عید برقرار بوده است . در ثانی از خود
انگلیسان اطلاع حاصل گردیده است که
از جانب حکومت از ترس اینکه مبدا مسلمانان برضد
حکومت شورش نمایند این تدبیر بکار برده شده
است .

نیر اخبارنامه مذکور میگوید . شش
تفراز اعظم شاهزاده کان هندوستان بطور سویل
(یعنی تبدیل قیافه) باسلامبول رفته در عمارت بلدز
مهمان اعلا حضرت پادشاهی شده اند .

اختر

اخبارنامه کرامی (شمس الاخبار) را از راه
برادری یادآوری می نمایم که این خبر محض اراجیف
و بی اصل است . بطور موثق اطلاع دارم که
از شاهزاده کان هندوستان شش نفر سهل است
یک نفر هم در اسلامبول نیست . این یکی نیز که
بسیاری از اخبار نامه های هندوستان مینویسند
فضیلت مآب محمد نصرت علی خان صاحب
مهمتم اخبارنامه (پیک اسلام) که اکنون
موقوف است از جانب اهالی هندوستان مخصوصا
باسلامبول فرستاده شده است هم از قبیل اراجیف
و کذب محض است . خان مومی الیه با اختیار خود
بعزم سیاحت باسلامبول آمده است .

در شهر (بلینی) که از مضافات (مدراس)
است این روزها مختصر شورش برپا شده است .
از جعی پولیس که برای اسکات شورش بد آنجا
رسیده اند یک نفر صاحب منصب نایکفر پولیس
بقتل رسیده سه نفر هم زخمی گردیده اند . بعضی
کسان نیز که خواسته اند پولیس معاونت نمایند
زخمی شده اند .

شمس الاخبار

اخبارنامه (سازدی ریویو) انگلیس منطبقه
لندن در یکی از نسخهای خود میگوید . (رام
چندر) صاحب که برادر (نانا صاحب) و از
چندی باینطرف در پترسبورگ اقامت داشت این روزها
از آنجا عازم ایران شده است .

اختر

(رام چندر) صاحب مذکور مدتی
در اسلامبول بود . سال گذشته از در سعادت
به پترسبورگ عزیمت نموده است . اگر همان است
که ما می شناسیم بطور موثق میگویم که . مومی
الیه برادر (نانا صاحب) نیست . بل شخصی
است که مادرش مجوس و پدرش انگلیس است .
و معلوم نیست که بچه خیال این عنوان را بر خود
گرفته است .

اخبار نامه های هندوستان مینویسند .
در شهر نتال که از مضافات ایالت (بنکال)
است هفتاد ساعت علی الاتصال باران باریده
کوهی که بنام شهر مذکور در نزدیکی شهر است
بنگاه منشق گردیده صدای بسیار هولناکی بلند
گردیده است . از شکافهای مذکور سیل
بسیار مهیبی روان گردیده و سنگهای بسیار قوی
و سنگین را از کوه سر از بر نموده روی شهر گذا
شته در اندک وقتی سیل تمامی شهر را فرو گرفته
از اهالی شهر بجز معدودی از اینورطه و قضای
ناکهای نتالستانه اند جان بدر ببرند . شهر
مذکور از صدمه این سیل بلا بکلی خراب گردیده
زمین شهر از بسیاری خاک و خاشاک و سنگهای
کران که از جریان سیل گرد آمده است سی و پنج
قدم از وضع سابق ارتفاع یافته است .

از قرار یکه اخبارنامه کرامی (فرهنگ)
منطبقه اصفهان در شماره شصت و پنجم خود
مینویسد . حضرت مستطاب والا ظل السلطان حکمران
صفهان و عربستان و لرستان و غیره بعزم کشت و گذار
و بازدید و رسیدگی وضع اداره و ولایاتی که در تحت
حکمرانی خود شان است از اصفهان حرکت
فرموده اند و دوسه روز پیش از حرکت حضرات
علمای اعلام و صاحب منصبان کرام از نظامی و غیر

نظامی و بسیاری از وجوه و اعیان و اشراف
مملکت و بعضی از معتبرین تجار بعزم و داع
از حضور و ملاقات حضرت مستطاب والا
شریفیابی حاصل نموده از حسن اداره و رعیت
پروری و مملکتداری حضرت والا اظهار تشکر
و سپاسداری نموده اند . حضرت مستطاب والا
نیر هر يك از حاضرین را بفرخو ر حال خود
مورد التفات و احترام داشته ضمناً حاضرین را
مخاطب فرموده خطابه بسیار خوبی خوانده اند
که صورت آرا عیناً در اینجا نقل نمودیم .

صورت خطابه

بر من که از جانب سنی الجوانب اعلی حضرت
افدس همایون شاهنشاهی اید الله تعالی مأمور
بمحکومت بر شما هستم لازم و منتهی است که حتی
المقدور در نظام ملک و امنیت بلد و آسایش رعیت
و رفاه مردم و وصول مالیات دیوانی کوشیده
دقیقه از مراتب مذکور را فرو و گذار نمایم
و بر شما نیز فرض است که سرأ و جبراً بدعای
ذات مقدس پادشاهی اشتغال نموده و در انجام
مراتب مذکور در کمال طوع و اقتیاد جاهد
و سعی باشید و مطالب و مقاصد که دانسته آن
لازم باشد بوقت و موقع خودش بدون ملاحظه
بمن اظهار نمایند و کلیه مرا بر شما چند حق واضح
و آشکار است که حفظ آن حقوق بر شما لازم است
و شما را نیز حقوقی چند است که همیشه ملحوظ
نظر من است اما از حقوقی که من بر شما دارم یکی
آن است که من پسر بزرگ پادشاه و از جانب
پادشاه بر شما فرمانفرما و حکمرانم در کمال سهولت
و آسانی بهر وقت و هر موقع که بوده است دیدن
و معاشرت من از برای شماها ممکن بوده و در عرض
حاجات و اظهار هر نوع مطلبی که لازم میشده
مانع و حاجی از برای شما نبوده بخلاف زمان
بعضی از حکام سابق که اگر چه اغلب از نوکرهای
من پست تر بودند دیدن و معاشرت آنها همیشه بر شما
مشکل و اکثر اوقات از عرض حوائج بمنوع بوده
و تحکیمات فوق العاده بر شما میکردند .

حق دیگر من بر شما آن است که در هر يك از ممالک
خارج و داخله مدتی است کرائی غله و سایر
اجناس ما کوله بوده چنانکه اکنون هم در
بعضی از ولایات قحط و کرائی شدید هست و در
مدت حکومت من در اصفهان نکذاشته ام که قیمت

اجناس تفاوتی فاحش پیدا کند و از هر طرف
و هر بلد که ممکن بوده و میتوانسته ام غله وارد
اصفهان نموده ام که شماها بعسرت و تنگی
نیفتید و مثل سایر بلاد امر معیشت بر شماها سخت
نشود بلکه بجهت احتیاط همیشه جنس یکسال
پادوسال شماها را برآورد کرده و از ولایات
و محلات بعیده جل و نقل مینموده و در انبار
موجود میکذاشته ام که مبادا یک وقتی در این ملک
نیر مانند ملکهای دیگر کرانی یا قحطی پیدا شود
و امر معیشت بر شماها که در حقیقت عیال پادشاه
جهان پناه و برادران منید سخت گردد نه تنها
اصفهان بلکه سایر بلاد متعلقه بخود را بخصوص
(رزد) که سال گذشته از شدت قحط و غلا اهالی آن
منذر بهلاکت بودند در کمال زحمت و مشقت اهتمام
کرده نکذاشتم بکنی و بعسرت باقی باشند اکنون
هم که عازم سفر عربستان هستم بفر اقبال
اعلیحضرت شاهنشاهی و ولی نعمتم آذوقه یک سال
شماها را برآورد کرده در انبار موجود گذاشته ام
که اگر العیاذ بالله بعسرت و تنگی برای شماها
پیدا شود و کسری در جنس ما محتاج سالیانه
شماها حاصل گردد بپنجم از و م شماها داده
و قیمت کرده شود که از این جهت آسوده
و مطمئن باشید .

و بجهت نظم و لایبت و ملا حظة آسایش و امنیت
و دفع مفاسد اگر چه از هر جهت کمال نظم و امنیت
حاصل است ولی بعضی ملاحظه احتیاط سرباز
و سوار با سایر ملزومات آن حاضر و آماده نموده
و برکاشته ام .

و بجهت رسیدگی بمطالب و عرایض و اجرای
احکام شرعیه و عرفیه مقرب الخاقان میرزا سلیمان
خان منشی باشی را که بصداقت و درست کاری
آزموده ام بنایب الحکومتی مقرر داشته ام که همه
روژه از طلوع آفتاب الی غروب در دیوانخانه
عدلیه حاضر شده بعرایض و مطالب شماها
رسیدی نماید .

و اما حقوقی که شما دارید اولاً آن است که در
اجرای انتظامات ملکیه و احکام پادشاهی پیوسته
با من همراهی کرده و اگر همی بر من مجهول بوده
مراد لالت و راه نمائی نموده اید باین واسطه ملک
منتظم و احکام شرعیه درست و محکم و عموم اهالی
آسوده و خرم گردیده مایه خوشنودی و میل قلبی
اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی شد و این

معنی باعث اعتبارات کلیه و ازدیاد ادارات
حکومتی گردیده ایالت چندین ملک و کشور را
محول بکف کفایت من فرمودند .

حق دیگر شما این است که در اجرای اوامر
و نواهی شرعیه و لوازم دینیّه مواظبت و اهتمام
نموده و مصالح امور دولت را نیز از دست نداده
در صدد ترقی دولت و تکمیل مصالح مملکت
بوده اید این مطلب مسلم و معین است که دین و دولت
هر دو توأمند دین بی دولت قوام نکیر و دولت
بدون قواعد دینیّه استحکام نپذیرد چه اگر قوت
و شوکت دولت نباشد هر آینه حفظ مسلمانان از مضار
خارج و مفاسد مختلفه داخله ممکن نشود و بواسطه
هرج و مرج عیال و رؤسای شریعت ضعیف
و مضطرب گردیده و احکام و مراسم شرعیه
بمحو وجه اجرا پذیر نتوانند و اگر شریعت نباشد
دولت قوام و انتظام نپذیرد چه عمده آبادی
مملکت و اقتدار دولت بنجارت و زراعت
و صناعتست و در صورت فساد عقود و معاملات
عمل تجارت و زراعت و غیره بالمره تباه شود و کار
معیشت فساد پذیرد پس بنابر این علای ملت و امنای
دولت هر دو لازم است که در جمیع اعمال با یکدیگر
اتفاق و معاونت کرده حکومت شرعیه و عرفیه را
در حقیقت حکومت واحد دانسته و در اجرا
و استحکام قواعد و رسوم آنها متفقاً کوشش
نمایند .

و اما حقوقی که از من بر تجارت و از تجارت بر من است
آن است که چون تجارت نظم و امنیت بلد و طرق
و شوارع را ملاحظه نموده در کمال اطمینان بر توسعه
تجارت خود افزودند چنانکه اکنون رواج
کار تجارت در اصفهان نسبت بچند سال قبل
باضاعاف مضاعف است .

پس از اصغای خطابه مبارک اهل مجلس
همگی یکدله و یک زبان مراتب مذکوره را تصدیق
نموده از انتظامات حضرت والا و این موهبت
کبری و عطیه عظمی زبان باظهار تشکر و دعا
کشودند و از تقضیات مراجع اعلیحضرت
شاهنشاهی بدعای حفظ وجود اقدس همایون
و دوام دولت جاوید آیت پرداختند .

اخبار نامه (فاردو پوسفور) بموجب کاغذ
اخبار نکار تبریز که در پنجم همین ماه سبتمبر (یکم

ذی قعدة) از تبریز نوشته است میگوید .

اینروزها در همه ایران وقوعاتی که اهمیت
داشته باشد قهره شورش اکراد است . این
شورش در ایالت ساوجبلاغ که حدفاصل کردستان
و آذربایجان است ظاهر گردیده بزرگترین سبب
این شورش نیز حاکم کردستان بوده است .

بده و مالیات کردستان اصلا قدری سنگین بود
حاکم مومی الیه خواسته بود قدری هم اضافه
بمقدار سابق نماید . لهذا بسیاری از اکراد بهمین
وسيله از دادن بده مقررین امتناع نموده اند .

حاکم یکی از رؤسای اکراد را خواسته سبب
مخالفت و عدم ایشای مالیات را سؤال نموده است .
رئیس اکراد جواب داده است که مالیات مقرر
را هم نخواهد داد . حاکم مومی الیه پاره کلمات
تهدید آمیز اظهار داشته گفته است هرگاه
در ایشای بده امتناع نمایند سر رؤسای اکراد
در معرض تلف خواهد برآمد .

بنابر این بموجب امر و فتوای شیخ عبیده
دوازده هزار نفر از اکراد با تفنگهای (مارتنی هنری)
که در جنگ آخری عثمانی و روس از فراریان گرفته
بودند در زیر کوماندانی شیخ عبدالقادر پسر
شیخ عبیده بجانب ساوجبلاغ بحرکت آمده اند .

(مارشون) خلیفه ملت (نستوری) نیز
باجبیت خود بجمعیت اکراد ملحق شده شهر
ساوجبلاغ را بدون ممانعت و مقاومت ضبط
نموده اند .

هر چند بتواتر میکفتند که اکراد شهر
مذکور را قتل و غارت نموده اند ولی این روایت
بتحقیق نپیوسته است .

اگر چه از جانب حکومت آذربایجان هر روز
بمقابل اکراد قشون فرستاده میشود ولی از دست
قشون بی کوماندان چه بر میآید ! مهمات
عساکر ایران تنها عبارت از مقدار کوله و تفنگهای
قدیم چهماقدار است .

از ولایت (خوی) نیز عساکر ایران در تبر
کوماندانی تیمور آقا فرستاده شده است هنوز
عساکر مذکوره بموقع شورش نرسیده است .
تیمور آقا مشاغل از جمله کوماندانان کارگاه
و صاحب شهرت و شجاعت ایران است .

خبر این شورش تا کنون باعلا حضرت

پادشاه ایران رسیده است . و بدیهی است که از عساکر منتخب خاصه برای دفع شورش خواهند فرستاد . ولی اکنون رادر آذربایجان انقلاب بزرگی در میان اهالی هست .

حاکم مراغه از بیم تقرب اکراد کریمخه به تبریز آمده است . حاکم مومی‌الیه از حرکات اکراد خبرهای بسیار وحشت‌آمیز نقل میکند .

اکراد بعزم غارت قصبه (بناب) که در مسافت پانزده کیلومتر تبریز است پورش برده بعد از آنکه یکصد و پنجاه نفر تلفات داده اند قصبه مذکور را ضبط و قشون ایران را عقب نشانیده چهار هراده (توپ برنج قدیم) گرفته قصبه را قتل و غارت و اطفال و زنان را اسیر نموده اند .

هرگاه جلو اکراد گرفته نشود در این نزدیکی به تبریز هم پورش خواهند آورد .

مسیو کامبتا رئیس مجلس مبعوثان فرانسه در قبرستان مشهور (پرلاشر) که در پاریس واقع در نزدیکی طاق مزار (منیو تیر) از اکراد برای خود مدفن آماده میکند . و برای مخارج این مدفن شش هزار لیرا تخصیص نموده است . (مسیو تیر) در ایام زنده کافی (مسیو تیر)

در کارهای دنیوی از همه جهت برخلاف افکار یکدیگر بودند . اکنون مسیو کامبتا میخواهد این مباینت افکار دنیوی را بیک محبت و همجواری اخروی تغییر بدهد .

اتفاق چهار کانه

اخبارنامه (کران ژورنال) منطقه پاریس بعنوان بالامقاله نوشته بودمانیر مناسب دیدیم ترجمه آرا در اینجا بیاوریم .

در باب انجام دادن مسئله قره طاغ دولت المان بمناسبت کار آگاهی خود مهارتی در پولیتیک بکار برده که موجب ترقی نفوذ خود در اسلامبول گردیده و این پولیتیک و ترقی نفوذ دولت مشارالیه موجب پاره ملاحظیات و خیالات گردید . و در اینباب مسئله اتفاق بعضی از دولتها که نتیجه مقاصد مسیو بسمارک است نیز جای مشغله روزانه سیاسی را حاصل نموده است . حتی بعضی از اخبارنامها مینویسند که اکنون در میان دولین المان و فرانسه مناسبات دوستانه بهتر و خوبتر از ایام گذشته است .

مانیر بهمین افکار دیروز از قبیل تصادف بایک شخص کار آگاه بیکانه ملاقات نمودیم .

شخص کار آگاه مومی‌الیه در اینباب پاره اطلاعات سودمند اظهار داشته علاوه بر آن بیان نمود که در باب نشر و عدم نشر آن نیز محذوری نیست بنابراین مناسب دیدیم که بیانات مذکور را بعینه نقل نماییم .

شخص کار آگاه مومی‌الیه میگوید که .

مسئله عقد اتفاق در اروپ در این جزو زمان منتهای آرزوی پرنس بسمارک و از مشاغل روزانه پرنس مشارالیه است . پرنس بسمارک بمناسبت اینکه اوستریا را بدائرة اتفاق خود داخل نمود خیال میکرد که تنها بجهت همین اتفاق جلونیات روس را که در باره اسلامبول دارد خواهد گرفت . اکنون پرنس مشارالیه برای مقابله مقاصد روس اتفاق مذکور را کافی ندیده در صدد تشکیل یک اتفاق چهار کانه که عبارت از دولتهای المان و اوستریا و فرانسه و ایتالی است در آمده است . که بدینوسیله دولین انگلیس و روس را تنها گذاشته در مسائل شرق و غرب پای مداخله آنان را کوتاه دارد .

احتمال کلی میرود که پرنس مشارالیه این تصور خود را بزود ترین وجهی از قوه بفعل بیاورد . پرنس مشارالیه این مقاصد پنهانی خود را بیک

بقیه از ترجمه حکایت تلامک

وجه هدیه ام پیش نهادی ای طفل شریر و مفسد ای عشق طاعونی خانه دل را برای قبول تو پرداختم . و کاشانه خاطر را بی ورود تو آماده ساختم . بامید اینکه بتلامک بکا مرانی خواهم زیست . و چیزی بجز اضطراب و نومیدی باین دل ویران و خاطر پریشان نیاوردی . حور یان من عاصی شندی . جبروت الوهیت و عظمت روحانیت جز بد بختی ابدی و سختی مرمیدی نمرد بگرداند . ای کاش بهلاک خود قادر بودی تا خود را از محنت و الم این چنین زنده کی آسوده داشتی . ای تلامک چون مرا مراعات متعذرو از زجات این زنده کیم رهایی دشوار است تو باید از ناسپاسیهای خود راه کور سپاری . و سر بر خاک هلاک گذاری . از تو انتقام خود را خواهم کشید . مشوقه تونیز خواهد دید در پیش چشمش هدف تیر خشمت خواهم نمود . لکن

خطا کفتم ای تیره روز کار ای (کالیسو) چه در سرداری بی کنشاهی را که خود بدام خطر افکنده و غریقی کرداب بد بختی و انقلابش نموده میخواهی بی سپر بیابان عدم کنی . من خود این آتش عافیت سوز را در کانون سینه تلامک که از لوث معاصی پاک بود افروختم . زهی بی کنشاهی زهی تقوی . زهی وحشت از معاصی . زهی قوت نفس . چه پایداری که در مقابل لذات نک آمیز نکرد . دل نازکش را بر هر هجر کد اختن دون مروت است . بترک من گفت با آنکه در خور ترک شدن نبودم کنون قلبوی را از خود متفریابم برای رقیب من زنده بماند . فی فی نمیتوانم متحمل شدم مگر بچیزی که در خور دارم . برو تلامک برو از اینجا بدانسوی دریاها . و کالیسورا بی تسلی خاطر بگذار در حالتیکه نه طاققت تحمل بازندی داشته باشد . و نه دست رسمی بمرک . پهل تادر اینجا بااه و خروش هم آغوش بوده پاکال

نومیدی و انفعال با (اکار یز) دلپسند تو روزگار سپارد . در صومعه خود تنهانشسته مترنم این مقالات بود . بیک مرتبه از اضطراب خاطر بسان اسپند برجسته بیرون دوید . و (منتور) را مخاطب نموده فریاد برآورد که در کجایمانده تلامک را از دام معاصی که گرفتار می شود این چنین حراست میکنی . تو بخواب غفلت اندری و قتیکه عشق در کین تو بیدار است . پیش از این متحمل اهمال کاری و سهل انگاری که از تو ظاهر میشود نمیتوانم . تاکی بنظر بی قیدی خواهی دید که پسر (الیس) مایه نک و عار پدر گردد . و در تباهی بخت بلند و طالع ارچند خود بکوشد . اقارب و پرستارانش زمام اختیارش را بر کف کفایت تو سپرده اند یا بدست تربیت من . این منم که پیوسته در پی تربیت تن و جان و تقویت دل ناتوانش هستم یا تو . باوجود این خاموش نشسته و کاری نمیکنی . در کوشه

از نزدیکان خود که پیوسته در کارهای عمده باور جوع نموده از رای وی استشاره میکند بیان نموده و در افشای این راز مخدووی ندیده است. حتی در خصوص این اتفاق پیشتر در شهرهای پاریس و (رؤم) اقدامات فعلی نیز بکار برده شد.

پرنس مشارالیه برای سرکرفتن این اتفاق چهارکانه تدابیر سیاسی ذیل را خوبترین و مسائل استحکام رابطه اتفاق پنداشته است چنانکه:

دولت المان در مقابل مبلغی تضمینات نقدی تمامی ایالت (لورن) و قسمتی از ایالت (الزاس) را که پیشتر در هنگام غلبه از فرانسه گرفته بود دوباره بدولت مشارالیه واگذار کرد. دولت فرانسه نیز در مقابل این ایالتی (نیس) و (ساوو) را که پیشتر از ایالتی ضبط نموده است بدولت مشارالیه تسلیم نماید. ولی مشروط بر اینکه رضایت اهالی ایالتی مذکور تحصیل کرده شود یا یعنی که اهالی مذکور بخوارا نمایند بر اینکه حکومت و تبعیت کدام یک از دولین فرانسه و ایالتی را که میخواهند اختیار نمایند. باعتبار پرنس بسمارک اهالی (نیس) بالطبع تبعیت ایالتی را بکمال رضامندی خواهند پذیرفت. اهالی (ساوو) نیز برخلاف آنان حکومت فرانسه را تبعیت

خواهند نمود. که در این صورت دولت ایالتی تنها بکرفتن ایالت (نیس) از فرانسه خشنود خواهد کردید.

آدم بدولت اوستریا که در کن رابع اتفاق چهارکانه است. دولت مشارالیه نیز ایالتی (ترانت) و (پترول) را که از ممالک ایالتی در تصرف دارد برضا بدون تضمینات نقدی و غیره بدولت ایالتی بخشیده در مقابل آن بتدریج از سواحل دریای سفید حدود خود را وسعت بدهد.

در صورت وقوع این اتحاد و اتفاق متصور هرگاه دولین انگلیس و روس بر ضد دولت عثمانی برخاسته و بخواهند که ممالک باقی مانده دولت مشارالیه را در میان خودشان تقسیم نمایند دولتهای مشارالیه بمعاونت دولت عثمانی برخاسته مانع پیشرفت مقاصد انگلیس و روس گردیده اسباب مقاومت دولت عثمانی را فراهم خواهند آورد.

(ترجمان حقیقت)

نیز اخبارنامه مذکور میگوید. اعلا حضرت الکساندر امپراتور روس بطور قطعی قرارداده اند که ولیعهد خود را بنیابت سلطنت

بر قرار نموده خودشان در (لیوادی) اقامت نموده از کارهای سلطنتی بکلی کنار جوید. اخبارنامه (پارس) که کوینده این روایت است در این ضمن میگوید که:

درجه اهمیت این مطلب در نزد عموم معلوم است. هرگاه این روایت اصل داشته و مقرون بصحت گردد آنوقت بدیهی است که رنگ پولیتیک اروپ تغییر خواهد یافت.

تلگرافنامه دیگری که امروز از پترسبورگ رسیده است این مطلب را قوت میدهد. حتی بطور موثق میگویند ولیعهد مشارالیه بهمن جهت به لیوادی احضار کرده شده است. مشارالیه بموجب دعوت بازن خودشان بلیوادی عزیمت نموده اند.

اخبارنامه ای اروپ بموجب تلگرافنامه بمی میگویند. عساکر انگلیس قندهار را بکلی خالی نموده اند. ولایت مذکور مقرر است بامیر عبدالرحمن خان حکمران حالی افغانستان تسلیم کرده شود.

طاهر

این پیشه دور از چشم اغیار درختهای آزاد قوی که مخصوص کشتی سازی است موجود است (الیس) نیز کشتی را که بواسطه آن از این جزیره بیرون رفت از همانجا ترتیب داد و در آن نحوال غاری می بینی که در داخل آن جمیع اسباب کشتی سازی از آلات قطع و ضرب و اتصال و انفصال تختهای کشتی فراهم است. همینکه متکلم باین کلام شد فی الفور از گفتار خویش پشیمان گردید. متصور بدون فوت فرصت بد انفسار شنافت و اسباب کشتی سازی را از همه چیز آماده یافت. پس درختها بیکه لازم داشت بچالاسی بر انداخته در یکروز زورقی که قابل سواری باشد ساخت. بلی مهارت و قدرت (منیرو) را در انجام کارهای فوق العاده طول زمان در کار نیست. (کالیسو) اختلال غریبی در احوال خود دیده از یکطرف میخواست کار متصور را ملاحظه کند که بکجارسیده و از طرف دیگر

نمیوانست خود را بترك شکارگاه راضی کند از بیم اینکه مبادا (اکاریز) با آزادی با تلاك کامرانی و عشق بازی کند. رشک محبت قوی تمیداد که يك دقیقه آن دو عاشق را از نظر بگذارد. ولی سعی میکرد شاید شکار را بستی که متور در آنجا بکشتی سازی مشغول بود باز کشد. صدای تیر و پیک های متور را می شنید و کوش فرامیداد ضربهای پیک و تیر بسندان دل و شریان جگر وی میرسید که از هر يك لرزه بر اندامش می افتاد و با آن حالت بیم آن داشت که مبادا مشغول این خیالات شده از اشارات نظر تلاك بر آن حوریه جوان غفلت کند. در آن حال آکاریر بصدای گیرنده و القاط فریبنده بر سیل ملامت به تلاك چنین میگفت آیا نمیرمی که متور باتوسرزنش و عریه ده آغاز کند که چرای او قدم برداشته رو بسوی شکارگاه گذاشتی دروغ از زنده کافی که در دست چنین معلم سخت و ترش روی و در صحبت این مصاحب عبوس

و درشت خوی بگذرد که بهیچ وسیله کمره از پیشانی نمیتوان کشود. دشمن جیع لذات است. راضی نمیشود که طعم لذتی را در دنیا چشیده باشی. بی کنهترین حظی را برای توقصیر و معصیت می شمارد. وقتی مرزا لازم بود کردار خود را متعلق بگفتار او بداری و مطیع وی باشی که خود از راه و رسم زنده کافی بخیر و در طریقی محاوره و اخلاق نوسفر باشی. با این مرتبه خردمندی و کیاست و این پایه کاردانی و فطانت چگونه تحمل میورزی و سزاوار می بینی که باتومانند صغار رفتار کنند. خدنگ این سخنان پرنیزک و فسون بددل تلاك کار کرده سینه وی را پراز کینه (متور) نمود بمرتبه که از دیدارش وحشت داشت و از شدت اضطراب به (اکاریز) جواب نمیکفت. لاجرم شبانگاه چون از شکار فارغ شدند بادلی چاک چاک و خاطری هولناک از یک (باقی دارد)